

کتاب دانیال — شماره یکصد و هشتاد

آشکار سازی نمادپردازی نبوی: تحلیلی جامع از هفت شیپور در مکاشفه

Jeff Pippenger

2024-02-29

ویلیام میلر دربارهٔ هفت کلیسا، هفت مَهر و هفت شیپور در کتاب مکاشفه، نور عظیمی دریافت کرده بود. او آن نمادهای نبوی را در چارچوبِ دو قدرتِ ویرانگر قرار داد: نخست بت‌پرستی و سپس پاپ‌گرایی. او هر ویژگی نبوی آن نمادها را ندید، اما آنچه دید، فهم بنیادی تاریخ درونی و تاریخ بیرونی کلیسای خدا را از زمان رسولان تا پایان جهانِ پرقرار ساخت. تاریخ درونی به وسیله کلیساها نمایانده شده بود، و تاریخ بیرونی کلیساها به وسیله مَهرها نمایانده می‌شد. او دید که شیپورها نمادهای داوری خدا بر روم هستند، داوری‌ای که نمودِ پیشینِ داوری خدا بر روم در پایان جهان بود، هرچند او ندید که روم در پایان جهان از اتحادی سه‌گانه تشکیل شده است.

کتابی که اورایاه اسمتھ نے Revelation** and Revelation کے عنوان سے لکھی، اُس میں بعض غلط نظریات پائے جاتے ہیں، لیکن سسٹر وانٹ نے اُسے "خدا کا مددگار ہاتھ" قرار دیا. انہوں نے نشانِ دہی کی کہ اسے اسے **Prophets and Patriarchs**، Great Controversy اور Desire of Ages کے ساتھ پھیلایا جانا چاہیے۔ اُن کی بھرپور تائید کا یہ مطلب نہ تھا کہ یہ کتاب اُن کی کتابوں کے ہم پایۂ الہام تھی، بلکہ یہ کہ اس کتاب میں "عظیم ہدایت" موجود تھی، اور یہ "بہت سی قیمتی جانوں کو حق کے علم تک لانے" کا سبب بنی تھی۔

کتاب از منطق نبوی میلری بهره می‌گیرد، همراه با مفاهیمی از نبوت که پیش از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ دیده نشده بودند. هنگامی که کاربرد سه‌گانه سه وای را بیان می‌کنیم، به بخش‌هایی از این کتاب ارجاع خواهیم داد.

میلر بیان کرد که «هفت کرنا، تاریخ هفت داوری خاص و سختی است که بر زمین، یا پادشاهی روم، فرستاده شده است.» چهار کرناى نخست نمایانگر داوری‌هایی هستند که بر روم بت‌پرست وارد آمدند، و کرناهای پنجم و ششم داوری‌های خدا بودند که بر روم پاپی وارد شدند؛ اما میلر تشخیص نمی‌داد که کرناى هفتم نمایانگر داوری خدا بر روم جدید است. اوریا اسمیت، در سخن گفتن از هفت مَهر و هفت کرناى مکاشفه، نوشت:

“दृश्यो उन ध्यान का प्रेरति और; है लगता खोलने को मुहरो ही तुरन्त मेम्ना पश्चात् के करने ग्रहण कतिब”
ही पहले में वषिय के सात संख्या हैं। होते घटति अधीन के मुहर प्रत्येक जो है जाता कयि आकर्षति ओर की मुहरे सात अतः है। करती प्रकट को सदिधता और पूर्णता यह में पवतिरशास्त्र की है चुका जा दलिया ध्यान तक समय के कॉन्स्टैन्टाइन संभवतः जो, है हुए समेटे को संपूर्णता की घटनाओं की प्रकार वषिय एक हो नहीं सही, है करती प्रकट को क्रम अन्य किसी के बाद उसके तुरहयिों सात की धारणा यह और; है पहुँचती ही साथ के घटनाओं की मुहरो जो है देती संकेत का शृंखला ऐसी एक की घटनाओं उन तुरहयिों सकती। है प्रतीक एक का युद्ध तुरही है। भनिन् सर्वथा स्वभाव उनका परन्तु, है होती घटति से रूप समकालिक जातयिों दौरान के युग-सुसमाचार जो है करती सूचति को पुथलो-उथल राजनीतिक महान उन तुरहयिों इसलए से आरम्भ के युग मसीही वे और, है देती संकेत का घटनाओं की स्वरूप धार्मिक मुहरे थी। होनी घटति बीच के “ Uriah Smith, Daniel and है। करती समाहति को इतिहास के कलीसिया तक आगमन के मसीह लेकर Revelation, 431.

شیپور نمادی از جنگ و آشوب سیاسی است. اسمیت، در سخن گفتن از آیه دوم فصل هشتم مکاشفه، می‌گوید:

«آیه ۲. و هفت فرشته‌ای را دیدم که در حضور خدا ایستاده‌اند؛ و به ایشان هفت شیپور داده شد.»

«این آیه سلسله‌ای تازه و متمایز از رویدادها را معرفی می‌کند. در مَهرها، تاریخ کلیسا را در طی آنچه عصر انجیل نامیده می‌شود، داشته‌ایم. در هفت شیپور که اکنون معرفی می‌شوند، رویدادهای اصلی سیاسی و جنگی را داریم که قرار بود در همان زمان رخ دهند.» یوریا اسمیت، دانیال و مکاشفه، 476.

مَهر بَفتَم مکاشفه کے باب آٹھ کی پہلی چھ آیات میں کھولی جاتی ہے، اور مَهر بَفتَم کے کھلنے کے پس منظر میں سات نرسنگے رکھنے والے سات فرشتے پھونکنے کے لیے تیار کیے جاتے ہیں۔

اور جب اُس نے ساتویں مَهر کھولی تو آسمان میں قریب آدھے گھنٹے تک خاموشی رہی۔ اور میں نے اُن سات فرشتوں کو دیکھا جو خدا کے حضور کھڑے رہتے ہیں؛ اور انہیں سات نرسنگے دیے گئے۔ پھر ایک اور فرشتہ آیا اور قربان گاہ کے پاس کھڑا ہوا، اُس کے پاس سونے کا بخوردان تھا؛ اور اُسے بہت سا بخور دیا گیا تاکہ وہ اُسے تمام مقدسوں کی دعاؤں کے ساتھ اُس سونے کی قربان گاہ پر چڑھائے جو تخت کے سامنے تھی۔ اور بخور کا دھواں، جو مقدسوں کی دعاؤں کے ساتھ تھا، فرشتے کے ہاتھ سے خدا کے حضور اوپر کو چڑھ گیا۔ پھر اُس فرشتے نے بخوردان لیا اور اُسے قربان گاہ کی آگ سے بھر کر زمین پر پھینک دیا؛ اور آوازیں، اور گرجیں، اور بجلیاں، اور ایک بھونچال پیدا ہوا۔ اور وہ سات فرشتے جن کے پاس سات نرسنگے تھے، پھونکنے کے لیے تیار ہوئے۔ مکاشفہ 8:1-6.

یک ناهنجاری نبوی وجود دارد که ما در مقالات پیشین آن را شناسایی کرده‌ایم، اما هنوز پدیده خاص نبوی آن را به طور مشخص مورد بررسی قرار نداده‌ایم. آن ناهنجاری این است که نمادهایی که نمایانگر توالی‌ای از نشانه‌های راه در تاریخ نبوی هستند، همگی در پایان تاریخی که نمایندگی می‌کنند، با یکدیگر گرد آورده می‌شوند. ما نشان داده‌ایم که چهار نسل ادونتیسیم لائودیکه‌ای، که به وسیله چهار مکروه فصل هشتم حزقیال نمایانده شده است، نشانه‌های راه مشخصی را معین می‌ساخت؛ اما هر یک از آن‌ها، به منزله آزمونی، در تاریخ مَهر شدن صد و چهل و چهار هزار نیز تکرار می‌شود. این ناهنجاری همچنین در هفت شیپور نیز یافت می‌شود؛ زیرا هرچند آن‌ها نمایانگر داوری‌های مشخص بر روم بت‌پرست، پاپی و مدرن هستند، همگی بار دیگر در هنگامی که داوری اجرایی بر روم مدرن با قانون یکشنبه در شرف وقوع آغاز می‌شود، با یکدیگر جمع می‌گردند.

هفت شیپور دارای تاریخ‌های مشخصی هستند که در گذشته تحقق یافته‌اند، اما خواهر وایت همچنین هفت فرشته را با هفت شیپور در مکاشفه باب هشت، در تاریخ قانون یکشنبه که به زودی خواهد آمد، قرار می‌دهد.

«و چون مَهر پنجم را گشود، دیدم که زیر مذبح، جان‌های کسانی بودند که به سبب کلام خدا و به سبب شهادتی که بدان متمسک بودند، کشته شده بودند؛ و به آواز بلند فریاد برآوردند و گفتند: ای خداوندِ قدوس و حق، تا به کی داوری نمی‌کنی و انتقام خون ما را از ساکنان زمین نمی‌گیری؟ و به هر یک از ایشان جامه‌ای سفید داده شد [آنان پاک و مقدس اعلام شدند]؛ و به ایشان گفته شد که اندک زمانی دیگر بیارامند، تا هم‌خادمان ایشان نیز و برادرانشان که می‌بایست همچون آنان کشته شوند، کامل گردند» [مکاشفه ۹:۶-۱۱]. در اینجا صحنه‌هایی به یوحنا نشان داده شد که در آن هنگام واقعیت نداشت، بلکه آنچه در دوره‌ای از زمان در آینده به وقوع می‌پیوست، بود.

«مکاشفه ۸:۱-۴ نقل شد.» انتشارات نسخه‌های خطی، جلد ۲۰، ۱۹۷.

در بند پیشین، خواهر وایت گفت وگو و تحقق مَهر پنجم را بر دوره‌ای تطبیق می‌دهد که در آن هفت فرشته در باب هشتم در شرف نواختن‌اند؛ اما او همچنین همین بازنمود را در تاریخ دو صدا در باب هجدهم مکاشفه نیز قرار می‌دهد.

«هنگامی که مَهر پنجم گشوده شد، یوحنا مکاشفه‌گر در رؤیا در زیر مذبح جماعتی را دید که به سبب کلام خدا و شهادت عیسی مسیح کشته شده بودند. پس از این، صحنه‌هایی فرا رسید که در باب هجدهم مکاشفه توصیف شده است، آنگاه که آنان که امین و راستین‌اند از بابل فراخوانده می‌شوند. [مکاشفه 18:1-5، نقل قول شده.]» Manuscript Releases، جلد 20، 14.

هفت شیپور نمایانگر داوری خدا در تاریخ روم بت‌پرست، پاپی و روم مدرن هستند، اما همچنین در تاریخ یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ و ندای دوم قانون یکشنبه قریب‌الوقوع نیز بازنمایی شده‌اند. اوریا اسمیت، پس از پرداختن به شش آیه نخست باب هشتم مکاشفه، به ارائه تحقیق‌های تاریخی چهار شیپور نخست آغاز می‌کند.

«موضوع هفت کرنا در اینجا از سر گرفته می‌شود و باقی این فصل و تمام فصل ۹ را دربر می‌گیرد. آن هفت فرشته خود را آماده می‌سازند تا بنوازند. نواختن ایشان به عنوان متممی برای نبوت دانیال ۲ و ۷ مطرح می‌شود و با تجزیه امپراتوری کهن روم به ده بخش آن آغاز می‌گردد؛ که در چهار کرنا نخست، توصیفی از آن را در اختیار داریم.» Uriah Smith, Daniel and Revelation.

477

سمیت‌ها اس بات کی نشان دهی کرتاے کہ پہلی چار نرسنگے بت پرست روم پر خدا کے فیصلے تھے۔ وہ آیت سات کا حوالہ دیتا ہے، جو پہلے نرسنگے کی نبوتی خصوصیات کی نشان دہی کرتی ہے، اور پھر اس کی تاریخی تکمیل کو بیان کرتا ہے۔

«نخستین بلای سخت و سهمگینی که در مسیر انحطاط روم غربی بر آن فرود آمد، جنگ با گوت‌ها به فرماندهی آلاریک بود، که راه را برای یورش‌های بعدی گشود. مرگ تئودوسیوس، امپراتور روم، در ژانویه 395 روی داد، و پیش از پایان زمستان، گوت‌ها تحت فرمان آلاریک بر ضد امپراتوری به جنگ برخاسته بودند.»

«نخستین یورش به فرماندهی آلاریک، تراکیه، مقدونیه، آتیکا و پلوپونز را به ویرانی کشید، اما به شهر روم نرسید. لیکن در یورش دوم خویش، آن سالار گوت از آلپ و آپنین گذشت و در برابر دیوارهای «شهر جاودان» پدیدار شد؛ شهری که به زودی طعمه خشم بربرها گردید.»

«نخستین نفخه کرنا جایگاه خود را در حدود پایان سده چهارم و پس از آن دارد، و به این یورش‌های ویرانگر بر امپراتوری روم به دست گوت‌ها اشاره می‌کند.» اوریا اسمیت، دانیال و مکاشفه، ۴۷۸.

اسمیت آلاریک را نماد داوری خدا بر روم مشرک می‌داند که به وسیله شیپور نخست نمایان شده است. هر یک از شیپورها شخصیتی تاریخی دارند که نماینده آن شیپور است؛ آلاریک نمایانگر فرارسیدن شیپور نخست از پایان قرن چهارم است. میلر نمی‌توانست دریافته باشد که این شیپور به سبب اجرای اجباری یکشنبه بر روم نازل شد، زیرا میلر خود نگاه‌دارنده یکشنبه بود. اسمیت نیز این حقیقت را از نظر دور داشت، اما اسمیت تشخیص داد که نخستین قانون اجباری یکشنبه به وسیله کنستانتین در سال 321 برقرار شد. قاعده کلی نبوی مرتبط با اجرای اجباری یکشنبه همواره یکسان است، زیرا خدا هرگز تغییر نمی‌کند، و آن قاعده این است که «ارتداد ملی به دنبال ویرانی ملی می‌آید». آلاریک نمایانگر آغاز ویرانی ملی است؛ و این ویرانی درست در همان دوره‌ای آغاز شد که کنستانتین نخستین قانون یکشنبه را وضع کرد.

اسمیت با نقل آیه هشتم، که شیپور دوم را مشخص می‌سازد، ادامه می‌دهد و سپس تفسیر خود را پی می‌گیرد:

«امپراتوری روم، پس از کنستانتین، به سه بخش تقسیم شد؛ و از همین‌رو اشاره مکرر «ثلث مردمان» و مانند آن، به کنایه از یک‌سوم امپراتوری است که زیر تازیانه قرار داشت. این تقسیم پادشاهی روم هنگام مرگ کنستانتین، در میان سه پسر او، کنستانتیوس، کنستانتین دوم، و کنستانس، انجام شد. کنستانتیوس مشرق را در اختیار داشت و اقامتگاه خود را در قسطنطنیه، پایتخت امپراتوری، قرار داد. کنستانتین دوم بریتانیا، گل، و اسپانیا را در دست داشت. کنستانس ایلیریوم، افریقا، و ایتالیا را در اختیار داشت. (نگاه کنید به Sabine's Ecclesiastical History، ص. 155). البورت، که آلبرت بارنز در یادداشت‌های خود بر Rev. 12:4 از او نقل کرده است، درباره این واقعیت تاریخی شناخته‌شده چنین می‌گوید: «دست‌کم دو بار، پیش از آنکه امپراتوری روم به‌طور دائمی به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شود، تقسیمی سه‌گانه در امپراتوری پدید آمد. نخستین بار در سال 311 م. رخ داد، هنگامی که امپراتوری میان کنستانتین، لیسینیوس، و ماکسیمین تقسیم شد؛ و بار دیگر در سال 337 م.، هنگام مرگ کنستانتین، میان کنستانس و کنستانتیوس.»»
Uriah Smith, Daniel and Revelation, 480

پدیده تاریخی تقسیم شدن روم به سه بخش، و نیز به دو بخشی که مورخان مورد استناد اسمیت به آن اشاره می‌کنند، از عناصر روم است که اتحاد سه‌گانه روم جدید را مشخص می‌سازد؛ اتحادی که ساختاری دوباره را تشکیل می‌دهد و نمایانگر ترکیب کلیسا و دولت است. هنگامی که اسمیت سخن خود را ادامه می‌دهد، سپس شخصیت تاریخی مرتبط با شیپور دوم را شناسایی می‌کند.

«تاریخی که نمودار نواخته شدن کرنای دوم است، آشکارا به یورش و سپس فتح افریقا، و بعد از آن ایتالیا، به دست گنسریک هولناک مربوط می‌شود. فتوحات او در بیشتر موارد دریایی بود؛ و پیروزی‌هایش «همچون کوهی بزرگ افروخته به آتش که به دریا افکنده شود» بود. چه تمثیلی می‌توانست بهتر از این، یا حتی به این خوبی، برخورد ناوگان‌ها و ویرانی فراگیر جنگ را بر سواحل دریایی مجسم سازد؟ در تبیین این کرنا، باید در جست‌وجوی رویدادهایی باشیم که ارتباطی خاص با جهان بازرگانی داشته باشند. نمادی که به کار رفته است، به‌طور طبیعی ما را به انتظار آشوب و تلاطم رهنمون می‌شود. جز یک جنگ سخت دریایی، هیچ چیز این پیشگویی را برآورده نمی‌ساخت. اگر نواخته شدن چهار کرنای نخست به چهار رویداد برجسته مربوط باشد که به سقوط امپراتوری روم یاری رساندند، و کرنای نخست به تاخت‌وتازهای گوت‌ها به رهبری آلاریک اشاره داشته باشد، در اینجا به‌طور طبیعی در پی عمل بعدی یورش برمی‌آیم که قدرت روم را به لرزه درآورد و به سقوط آن انجامید. یورش بزرگ بعدی، یورش «گنسریک هولناک» بود که در رأس وندال‌ها قرار داشت. دوران فعالیت او در سال‌های ۴۲۸ تا ۴۶۸ میلادی واقع شد. این رئیس بزرگ وندال، مقر فرماندهی خود را در افریقا داشت....»

"روم کے زوال میں اس دلیر بحری قزاق نے جو اہم کردار ادا کیا، اُس کے بارے میں مسٹر گبن یہ بامعنی الفاظ استعمال کرتے ہیں: 'گنسریک—ایک ایسا نام جس نے رومی سلطنت کی تباہی میں الیرک اور اٹلیا کے ناموں کے برابر درجہ پانے کا استحقاق حاصل کیا ہے۔'" یوریا اسمتھ، Daniel and Revelation, 481, 484

اسمیت، در حالی که از مورخ گیون نقل قول می‌کرد که به نمادهای تاریخی سه شیپور نخست اشاره کرده بود، مشخص ساخت که گنسریک همان شیپور دوم بود، و سپس گفت که گنسریک «شایسته هم‌رتبگی با آلاریک و اٹلیا بود.» آلاریک شیپور نخست است، گنسریک شیپور دوم، و اٹلیا هون شیپور سوم بود که در آیه دهم به آن پرداخته می‌شود. اسمیت خاطرنشان کرد که شیپور دوم، که به وسیله گنسریک نمایانده شده است، نمایانگر تاریخ «428-468» بود. سپس اسمیت آیه دهم را که شیپور

سوم را مشخص می‌سازد نقل می‌کند، و روایت خود را ادامه می‌دهد:

«در تفسیر و تطبیق این فقره، به سومین رویداد مهمی می‌رسیم که به واژگونی امپراتوری روم انجامید. و در یافتن تحقق تاریخی این شیپور سوم، برای چند نقل‌قول مدیون یادداشت‌های دکتر آلبرت بارنز خواهیم بود. در توضیح این آیه، لازم است، چنان‌که این مفسر می‌گوید، «که رئیس یا جنگاوری پدید آید که بتوان او را به شهابی فروزان تشبیه کرد؛ که مسیرش به‌گونه‌ای استثنایی درخشان باشد؛ که ناگهان همچون ستاره‌ای شعله‌ور ظاهر شود، و سپس مانند ستاره‌ای که نورش در آب‌ها خاموش شده باشد، ناپدید گردد.» — Notes on Revelation 8.

«اینجا چنین فرض شده است که این شیپور به جنگ‌های ویرانگر و یورش‌های سهمگین آتیلا علیه قدرت روم اشاره دارد؛ همان جنگ‌ها و یورش‌هایی که او در رأس انبوهی از هون‌های خود به پیش می‌برد...»

«و نام آن ستاره افسنتین خوانده می‌شود [دلالت‌کننده بر پیامدهای تلخ].» این کلمات — که، چنان‌که حتی نشانه‌گذاری در ترجمه ما نیز نشان می‌دهد، پیوندی نزدیک‌تر با آیه پیشین دارند — ما را برای لحظه‌ای به شخصیت آتیلا، به مصیبتی که او پدیدآورنده یا ابزار آن بود، و به هراسی که نام او برمی‌انگیخت، باز می‌گردانند.

«ریشه‌کن‌سازی کامل و محو و نابودی»، تعبیری هستند که به بهترین وجه مصیبت‌هایی را که او وارد ساخت، توصیف می‌کنند. او خود را «تازیانه خدا» می‌نامید. «اوریا اسمیت، Daniel and Revelation, 484, 487»

تاریخ شیپور سوم، که به وسیله آتیلا هون نمایانده شده است، از سال 441 تا زمان مرگ او در سال 453 بود. سپس اسمیت آیه دوازدهم را نقل می‌کند که شیپور چهارم را ارائه می‌نماید و اوودوآکر پادشاه بربر را توصیف می‌کند، جایی که نمادپردازی سه‌گانه روم غربی به وسیله خورشید و ماه و ستارگان نمایانده شده است. او این سه نماد را چنین شناسایی می‌کند: «خورشید، ماه و ستارگان—زیرا بی‌تردید در اینجا به عنوان نمادها به کار رفته‌اند—آشکارا دلالت بر انوار عظیم حکومت روم دارند، یعنی امپراتوران، سناتورها و کنسول‌های آن. اسقف نیوتن ملاحظه می‌کند که آخرین امپراتور روم غربی رومولوس بود که از روی تمسخر او را آگوستولوس، یا "آگوستوس کوچک" می‌نامیدند.» روم غربی در سال 476 میلادی سقوط کرد. با این همه، هرچند خورشید روم خاموش شد، اجرام نورانی تابع آن تا زمانی کم‌فروغ می‌درخشیدند، در حالی که سنا و کنسول‌ها همچنان ادامه داشتند. اما پس از واژگونی‌های بسیار مدنی و دگرگونی‌های بخت سیاسی، سرانجام در سال 566 میلادی، تمام صورت حکومت باستانی برانداخته شد، و خود روم از این‌که امپراتریس جهان باشد، به دوک‌نشینی فقیری خراج‌گزارِ اگزاکِرِ راونا تنزل یافت. «Uriah Smith, Daniel and Revelation, 487»

در اینجا شاهد دیگری بر تقسیم سه‌گانه روم می‌یابیم، که اتحادیه سه‌گانه روم جدید را از پیش ترسیم می‌کند. در روم شرقی و امپراتور کنستانتین، این تقسیم سه‌گانه به وسیله سه پسر او نمود یافت، اما در روم غربی، این امر در قالب سه‌گانه حکومت آنان نمایان شد. سپس اسمیت مشخص می‌سازد که خورشید، ماه و ستارگان بیانگر ترتیب معینی هستند که در آن روم غربی به زیر کشیده شد. او روایت خود را با مقدمه زیر درباره سه شیپور آخر به پایان می‌برد.

هرچند بلاهایی که با نخستین یورش‌های این بربرها بر امپراتوری وارد آمد، هولناک بود، اما در مقایسه با مصیبت‌هایی که در پی می‌آمد، نسبتاً سبک به شمار می‌رفت. آن‌ها تنها همچون قطرات آغازین بارانی بودند پیش از سیلابی که به‌زودی بر جهان روم فرود می‌آمد. سه شیپور باقی‌مانده، به‌گونه‌ای که در آیات بعد بیان شده است، در سایه ابری از وای قرار دارند.

«آیه ۱۳. و نگریستم، و فرشته‌ای را دیدم که در میان آسمان پرواز می‌کرد، و با آواز بلند می‌گفت: وای، وای، وای بر ساکنان زمین، از سبب دیگر صداهای شیپور آن سه فرشته که هنوز باید بنوازند.»

«این فرشته از سلسله هفت فرشته شیپورها نیست، بلکه صرفاً فرشته‌ای است که اعلام می‌کند سه شیپور باقی‌مانده، شیپورهای وای هستند، به سبب رویدادهای هولناک‌تری که با نواخته شدن آنها به وقوع خواهد پیوست. بنابراین، شیپور بعدی، یا شیپور پنجم، نخستین وای است؛ شیپور ششم، دومین وای؛ و شیپور هفتم، که آخرین این سلسله هفت شیپور است، سومین وای می‌باشد.» اوریا اسمیت، Daniel and Revelation, 493.

ما در مقاله بعدی سه وای شیپور را ادامه خواهیم داد.

«مصیبت‌های روم امپراتوری، در هنگام سقوطش، تا واپسین آن‌ها بازگفته شد، تا آن‌گاه که روم بی‌امپراتور، بی‌کنسول و بی‌سنا ماند. «در روزگار اگزارخ‌های راونا، روم به مرتبه دوم تنزل یافت.» یک‌سوم خورشید زده شد، و یک‌سوم ماه، و یک‌سوم ستارگان. سلسله قیصران با امپراتوران مغرب منقرض نشد. روم، پیش از سقوطش، تنها بخشی از قدرت امپراتوری را در اختیار داشت. قسطنطنیه امپراتوری جهان را با آن تقسیم می‌کرد. و نه گوت‌ها و نه وندال‌ها بر آن شهر همچنان امپراتوری فرمان نراندند؛ شهری که امپراتورش، پس از نخستین انتقال مقر امپراتوری به دست کنستانتین، بارها امپراتور روم را به منزله منصوب و نایب خود نگاه داشت. و سرنوشت قسطنطنیه برای اعصار دیگر محفوظ ماند و به وسیله شیپورهای دیگری اعلام شد. از خورشید و ماه و ستارگان، هنوز فقط یک‌سوم زده شده بود.»

«الفاظ اختتامی شیپور چهارم دلالت بر احیای آینده امپراتوری غرب دارد: "و روز به قدر ثلث آن روشن نشد، و شب نیز همچنین." از حیث اقتدار مدنی، روم تابع راونا گردید، و ایتالیا ایالتی مغلوب از امپراتوری شرقی بود. اما، چنان‌که به وجهی مناسب‌تر به سایر نبوت‌ها تعلق دارد، دفاع از پرستش تصاویر نخست قدرت‌های روحانی و زمانی پاپ و امپراتور را به برخوردی سخت و خشونت‌بار کشانید؛ و یوستینیان، با واگذار کردن همه اقتدار بر کلیساها به پاپ، دست‌یاری خود را در پیشبرد برتری پاپی به کار برد؛ همان برتری‌ای که بعدتر قدرت آفرینش پادشاهان را به خود اختصاص داد. در سال 800 میلادی، پاپ عنوان "امپراتور رومیان" را به شارلمانی اعطا کرد.» Keith. این عنوان بار دیگر از پادشاه فرانسه به پادشاه آلمان منتقل شد. و به دست امپراتور فرانسیس دوم، حتی این افسانه نیز سرانجام و برای همیشه در 6 اوت 1806 رسماً ترک گفته شد.» A. T. Jones, The Great Nations of Today, 54.